واکاوی مواضع وزیر امور خارجه درباره اعلام آمادگی برای مذاکره در گفت‌وگو با کارشناسان

جدی‌ترین پالس؟

عبدالرحمن فتح‌الهی: از زمان روی کار آمدن عباس عراقچی به عنوان وزیر امور خارجه دولت چهاردهم، وی بارها از اعلام آمادگی برای مذاکره با غرب، چه با طرف اروپایی و چه با طرف آمریکایی سخن گفته است. هرچند در مقام عمل، اتفاق خاصی درخصوص تنش‌زدایی با غربی‌ها و آغاز مذاکرات نیفتاد و تنها شاهد برگزاری یک دور گفت‌وگو در ژنو بودیم، اما در فاصله کمتر از سه هفته تا روی کار آمدن دونالد ترامپ، مجددا سکاندار سیاست خارجی ایران در مصاحبه با سی‌سی‌تی‌وی چین روی مذاکره و توافق با غربی‌ها مانور داد و در این رابطه عنوان کرد «برای ازسرگیری مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران آمادگی داریم. بیش از دو سال با کشورهای ۵+۱ با حسن‌نیت مذاکره کردیم و نهایتا موفق شدیم به توافقی برسیم که همه دنیا این توافق را به‌عنوان یک دستاورد دیپلماسی قبول و تحسین کرد». لحن و ادبیات مسئول دیپلماسی کشورمان این‌بار قدری جدی‌تر از دفعات پیشین بود و در آستانه بازگشت ترامپ به کاخ سفید می‌تواند جدی‌ترین پالس مثبت تهران برای مذاکره در نظر گرفته شود، آنجا که عراقچی به صراحت عنوان کرد: «آمادگی داریم وارد مذاکرات سازنده و بدون تأخیر درخصوص برنامه هسته‌ای خود شویم؛ مذاکراتی که با هدف رسیدن به یک توافق باشد». در بخش مهمی از گپ‌وگفت دیپلمات ارشد ایرانی با شبکه چینی، موضوع برجام مطرح شد و به گفته عراقچی، «فرمولی که از نظر ما وجود دارد، همان فرمول سابق برجام است. یعنی اعتمادسازی درباره برنامه هسته‌ای ایران در مقابلِ رفع تحریم‌ها. بر همین مبنا آمادگی مذاکره را داریم». وزیر امور خارجه در این مصاحبه به تلاش تنش‌زدایانه با اروپا هم ورود کرد و ادامه داد «یک دور مذاکره با کشورهای اروپایی صورت گرفته است و دور دوم این مذاکرات نیز تعیین شده که ظرف کمتر از دو هفته آینده با سه کشور اروپایی انجام خواهد شد». نکته مهم دیگری که عراقچی به آن اشاره داشت، نوع مواجهه تهران با ترامپ بود که دراین‌باره تصریح کرد: «درمورد آمریکا طبیعی است که دولت جدید باید سیاست خود را تدوین کند و ما بر اساس آن تصمیم خواهیم گرفت». البته از نظر سکاندار سیاست خارجی ایران، «چین و روسیه دو عضو مؤثر مذاکرات در گذشته بودند و از نظر جمهوری اسلامی ایران همچنان باید به نقش سازنده خود در این مذاکرات ادامه دهند. این خواسته و اراده ماست». البته پیرامون گفته‌های عراقچی برای آغاز دور دوم گفت‌وگو با اروپایی‌ها کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه، سیزدهم ژانویه (۲۴ دی) را تاریخ برگزاری دور جدید رایزنی‌ها بین ایران و سه کشور اروپایی به میزبانی ژنو اعلام کرد.

پیش از گفته‌های عباس عراقچی در مصاحبه با سی‌سی‌تی‌وی، کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی هم پیش‌تر در مصاحبه با شبکه المیادین از آمادگی ایران برای گفت‌وگو با آمریکا خبر داد. البته خرازی در گپ‌وگفتش با شبکه لبنانی متذکر شد که «برای هر دو وضعیت آماده‌ایم؛ هم گفت‌وگو و هم مقابله با فشارها. بنابراین تهران گام‌های خود را متناسب با نوع سیاست دولت جدید آمریکا مشخص خواهد کرد».

عبدالرضا فرجی‌راد: آغاز مذاکرات مخفی ایران و غرب، بهترین گزینه است

در تحلیل عمیق‌تر این دست موضع‌گیری‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران برای اعلام آمادگی مذاکره با غرب و به‌خصوص گفته‌های عباس عراقچی در مصاحبه با شبکه سی‌سی تی‌وی چین، عبدالرضا فرجی‌راد در گپ‌وگفت خود با «شرق»، ضمن اشاره به این نکته که «این قبیل اعلام آمادگی‌ها از سوی عباس عراقچی برای مذاکره با غرب تازگی ندارد و طی حدود چهار ماه گذشته بارها این اعلام آمادگی عنوان شده است»، اما مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی اذعان و اعتراف دارد که «به دلیل اتفاقات خاورمیانه پس از هفتم اکتبر و همچنین موضوعات جاری، عملا غربی‌ها، چه اروپایی‌ها و چه آمریکا دیگر عجله‌ای برای ازسرگیری مذاکره با ایران ندارند».

در ادامه آنچه گفته شد، این استاد ژئوپلیتیک خاطرنشان می‌کند که «اکنون اتحادیه اروپا و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان به عنوان اعضای اروپایی برجام تا زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ و ترسیم و ریل‌گذاری سیاست دقیق و عملی واشنگتن در برابر تهران، مذاکرات جدی را در دستور کار قرار نخواهند داد». نکته مهم‌تری که از دل گفته‌های عباس عراقچی برای سفیر اسبق ایران در ایسلند اهمیت دارد این است که «به نظر می‌رسد تهران دیگر خط قرمز و ملاحظات قبلی خود برای مذاکره مستقیم با آمریکا و همچنین مذاکره با دولت دونالد ترامپ را کنار گذاشته و سعی خواهد کرد گفت‌وگوها از موضع برابر، بدون فرسایش زمانی و با هدف رسیدن به توافق عملی تا پیش از مهرماه ۱۴۰۴ یعنی انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ به نتیجه برسد». هرچند به عقیده این دیپلمات کشورمان، «هنوز سطح مذاکره‌کنندگان طرفین مشخص نیست و باید دید که طرفین در چه سطحی گفت‌وگوها را آغاز خواهند کرد». البته از دیدگاه فرجی‌راد، «دولت دوم دونالد ترامپ تمایل دارد مذاکرات در سطح بالای مقامات و برای گرفتن تضمین‌های لازم از تهران انجام شود».

پیرو ارزیابی فرجی‌راد، جان هافمن، پژوهشگر در زمینه دفاع و سیاست خارجی در مؤسسه کاتو، در یادداشتی که در نشریه آمریکایی هیل منتشر شده است، باور دارد که «وقتی صحبت از ایران می‌شود، بهترین گزینه ترامپ، دیپلماسی است و او باید برای تحقق کاهش تنش‌ها با تهران تلاش کند». به نوشته ایرنا، در ادامه این مطلب آمده «با ورود ترامپ به کاخ سفید در ژانویه، نشانه‌های متفاوتی از سوی ترامپ و مشاورانش به چشم خورده است؛ از یک سو، گزارش‌هایی وجود دارد که رئیس‌جمهور منتخب می‌خواهد کمپین فشار حداکثری خود علیه ایران را تجدید کند و حتی در حال بررسی حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران است و از سوی دیگر، سیگنال‌هایی وجود دارد که رئیس‌جمهور سابق چشم‌اندازهای معامله با تهران را در نظر گرفته است. اما ترامپ نسبت به تلاش‌های آمریکا برای تغییر نظام در تهران هشدار داده است. مشاور ترامپ در امور خاورمیانه اخیرا مدعی شده است که ترامپ برای مذاکرات جدی با ایران آماده است».

در کنار نکات یادشده، عبدالرضا فرجی‌راد تحلیل خود از اعلام آمادگی تهران برای مذاکره با غرب را این‌گونه ادامه می‌دهد: «اکنون بهترین گزینه می‌تواند در قالب مذاکرات مخفی و بدون حضور رسانه‌ها باشد»؛ چون به زعم سفیر پیشین ایران در نروژ، «مخالفان، دشمنان و رقبایی جدی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و غرب وجود دارد، چه بازیگرانی مانند اسرائیل یا کشورهای منطقه‌ای و پیرامونی مانند عربستان، امارات، بحرین و حتی کشورهایی که عنوان شریک راهبردی ایران را یدک می‌کشند و مشخصا روسیه و چین تمایلی به این گفت‌وگوها ندارند و سعی خواهند کرد که سطحی از تنش مدیریت‌شده بین ایران و غرب کماکان ادامه داشته باشد».

استاد ژئوپلیتیک موضوع مهم‌تری را هم واکاوی می‌کند و معتقد است: «ذیل گفته‌های عباس عراقچی، در حال حاضر بهترین و ایدئال‌ترین سناریو برای ایران، پیگیری مذاکرات در قالب همان برجام است». گرچه این تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی هم باور دارد «توافق سال ۲۰۱۵ دیگر کارایی لازم را نخواهد داشت»، اما معتقد است «می‌توان با تغییر بندها و مفاد آن، عملا با فرمول برجام زودتر به توافق با غرب رسید».

به‌خصوص آنکه دیپلمات پیشین کشورمان مجددا ضرب‌الاجل مهرماه ۱۴۰۴ و پایان انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ را یادآور می‌شود و تأکید می‌کند: «باید تا آن زمان این مذاکرات به نتیجه برسد». لذا سفیر اسبق ایران در مجارستان، پیگیری مذاکرات در قالب فرمول برجام را مسیری کوتاه‌تر، آسان‌تر و در عین حال کم‌هزینه‌تر برای همه طرفین می‌داند تا اینکه دوباره سعی شود مذاکراتی جدید برای حصول برجام جدید در دستور کار قرار بگیرد.

بخش پایانی گپ‌وگفت عبدالرضا فرجی‌راد با «شرق» به آسیب‌شناسی و نوعی انتقاد از عملکرد دستگاه سیاست خارجی برای تنش‌زدایی عملی با اروپایی‌ها اختصاص داشت و در این راستا باور دارد: «اگرچه تحولات منطقه خاورمیانه و سایه جنگ ایران با اسرائیل در ماه‌های گذشته، وزارت امور خارجه را از مذاکره با اروپا دور نگه داشت، اما گفت‌وگوهای ژنو بسیار دیر شروع شد و اکنون هم پس از گذشت یک ماه از دور اول دیدارهای ژنو، قرار است مجددا دور دوم هم در قالب گفت‌وگوها برای ارزیابی طرفین از همدیگر باشد». امری که از دید این تحلیلگر ارشد حوزه اروپا، این قبیل گفت‌وگوها با این فاصله زمانی زیاد به صلاح کشور و منافع ملی نیست و آن را نوعی فرصت‌سوزی دیپلماتیک در قالب مذاکرات فرسایشی قلمداد می‌کند. درصورتی‌که سفیر اسبق ایران در ایسلند تأکید دارد: «می‌توان دور دوم این گفت‌وگوها در ژنو را به شکل مستقیم برای آغاز مذاکرات عملی ایران و اروپا، با هدف حل اختلافات در موضوعات مختلف از جنگ اوکراین تا هسته‌ای و سایر مسائل اختصاص داد».

محسن پاک‌آیین: مذاکره مستقیمی بین ایران و دولت ترامپ در هیچ موضوعی انجام نمی‌شود

محسن پاک‌آیین دیگر کارشناسی بود که در گپ‌وگفت خود با «شرق» ارزیابی کاملا متفاوتی از عبدالرضا فرجی‌راد دارد و به زعم او، «اساسا مذاکرات مستقیمی بین جمهوری اسلامی ایران با آمریکایی‌ها و مشخصا دولت دونالد ترامپ در هیچ زمینه‌ای صورت نخواهد گرفت». سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان برای تبیین ادعای خود دو دلیل مطرح می‌کند و معتقد است: «در مقام نخست، سابقه ایالات متحده آمریکا در مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران از مذاکرات مک‌فارلین گرفته تا مذاکرات در حوزه بالکان و مشخصا پرونده بوسنی‌هرزگوین و همچنین مذاکرات درخصوص افغانستان و عراق و در نهایت مذاکرات برجام، مؤید آن است که اساسا نمی‌توان به این نوع مذاکرات امیدوار بود و در مقابل نه‌تنها خبری از عمل به تعهدات نبود، بلکه ایران در محور شرارت قرار گرفت و آن را دولت تروریست قلمداد کرد و در این سال‌ها هم سلسله تحریم‌هایی را به بهانه‌های مختلف از هسته‌ای تا حقوق بشر، نفوذ منطقه‌ای و توان دفاعی و موشکی و پهپادی اعمال کرده است».

بااین‌حال، تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی معتقد است «جمهوری اسلامی ایران پس از خروج ترامپ از برجام و در قالب مذاکره هسته‌ای، گفت‌وگوهای جدی خود را با اعضای ۴+۱ برای رسیدن به یک توافق جدید انجام داده و از سیاست مذاکره برای مذاکره پرهیز کرده است». در تشریح پارامتر دوم، پاک‌آیین به خصومت‌ها و اختلاف‌های گسترده بین ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره دارد که از منظر او، «مانع از پیگیری مذاکرات مستقیم بین دو طرف خواهد شد و از این‌رو جمهوری اسلامی ایران به دنبال مذاکرات مستقیم با ایالات متحده آمریکا و به‌خصوص دولت ترامپ نخواهد بود».

بااین‌حال، سفیر اسبق ایران در ازبکستان این نکته کلیدی را هم یادآور می‌شود که «ادبیات تهدید یا پیگیری مذاکرات از موضع برتر نمی‌تواند به توافق یا خروجی مدنظر منجر شود. بنابراین باید مذاکره با اعتمادسازی غربی‌ها همراه باشد تا توافقاتی در سطح برابر و برای اهداف و منافع مشترک و در عین حفظ استقلال و رعایت احترام همه طرف‌ها در دستور کار قرار گیرد».

در راستای این نکته پاک‌آیین، اندیشکده آمریکایی «مؤسسه بکر» در گزارشی با عنوان «فشار حداکثری جدید ترامپ؛ گزینه‌های آمریکا و واکنش‌های احتمالی ایران» به بررسی سیاست‌های احتمالی دولت جدید ایالات متحده و پاسخ‌های احتمالی ایران به این سیاست‌ها پرداخته است. به نوشته ایرنا، در بخشی از این گزارش تأکید شده «ترامپ برای مذاکره احتمالی با ایران ناچار به اعتمادسازی» است و اشاره می‌کند که برای غلبه بر بی‌اعتمادی عمیق ایران به آمریکا، دولت ترامپ ممکن است نیاز به درگیرکردن کنگره داشته باشد تا به ایران اطمینان دهد صرفا به دنبال تضعیف تهران برای تغییر رژیم نیست.

البته دیپلمات پیشین کشورمان معتقد است «اگر آمریکا به دنبال مذاکره با ایران است، می‌تواند در قالب مذاکرات ۴+۱ این گفت‌وگوها را ادامه دهد، اما باید نتیجه و خروجی نهایی آن، لغو تحریم‌ها علیه ایران باشد». کمااینکه به گفته وی، «می‌توان مذاکرات مشابهی را با اروپایی‌ها پی گرفت». با این وجود، پاک‌آیین اساسا مذاکرات «جامع» یا «مذاکره بر سر همه چیز یا هیچ چیز» را رد کرده و پیش‌بینی می‌کند که «تهران تنها بر سر موضوع هسته‌ای گفت‌وگو خواهد کرد» و از دید او، «ایران کماکان برگ‌های برنده خود برای مذاکرات برابر را دارد».

بااین‌حال، کلسی دانپورت در مقام مدیر سیاست عدم اشاعه در انجمن کنترل تسلیحات، به استراتژی چندوجهی آمریکا باور دارد و در تازه‌ترین نوشته خود تصریح می‌کند: «این استراتژی باید شامل ترکیبی از دیپلماسی، تحریم‌های اقتصادی، بازدارندگی نظامی و همکاری بین‌المللی باشد. ایالات متحده باید آماده باشد با ایران وارد مذاکرات شود، درحالی‌که تهدید معتبری از تحریم‌ها و گزینه‌های نظامی را در صورت حرکت ایران به سمت تسلیحات هسته‌ای حفظ کند. درعین‌حال، باید روابط خود را با متحدان و شرکای منطقه‌ای تقویت کند تا رویکردی متحد در این مسئله حفظ شود».

یادداشت

موانع و زمینه‌های توافق ایران و آمریکا

آیا می‌توان توافق ایران با آمریکا در دولت دوم ترامپ را پیش‌بینی کرد؟

سیدمحمد حسینی
سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

تقابل ایران و آمریکا در سال‌های اخیر تشدید شده است و پیش‌بینی می‌شود با آغاز دولت ترامپ، این تقابل به نقطه «حاد بحرانی» برسد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی ایران دیگر نباید با الگوی «نه مذاکره مستقیم و نه جنگ» که برای مواجهه با فشارهای آمریکا در دوران بایدن برگزیده بود، به مصاف دولت ترامپ برود، بلکه باید خود را با الگوی «هم مذاکره و هم جنگ» (اعم از جنگ ترکیبی و جنگ نظامی مستقیم و غیرمستقیم) آماده کند. طبیعی است که رسیدن به توافق عزتمندانه، عقلایی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای مدیریت تنش موجود میان ایران و آمریکاست؛ چه اینکه افزایش تنش با دولت ترامپ، تشدید تحریم‌ها و احتمال وقوع جنگ را به همراه خواهد داشت. اما توافق عزتمندانه با آمریکا و در نقطه مقابل افزایش تنش و جنگ با آمریکا، پیشران‌هایی در سطح ملی ایران، در سطح ملی آمریکا، در سطح منطقه و در سطح نظام بین‌الملل دارد که ارزیابی هر یک از آن پیشران‌ها، می‌تواند چشم‌انداز توافق یا تضاد میان ایران و آمریکا را در دوره ترامپ پیش‌روی ما بگذارد. در این یادداشت به پیشران‌های توافق و تضاد با آمریکا در سطح ملی ایران می‌پردازیم و در یادداشت‌های بعد، سطوح بعدی را مطالعه می‌کنیم.

در داخل ایران پیشران‌هایی که توافق را ممکن می‌کند، عبارت‌اند از:

۱- عمل‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در ۴۵ سال گذشته در بافتار سیاست خارجی ایران نهفته بوده و هرگاه حفظ جمهوری اسلامی ایران که از دیدگاه امام خمینی(ره) از اوجب واجبات است، اقتضا می‌کرده، تصمیمات عمل‌گرایانه اتخاذ می‌شده است. بنابراین خصلت عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران، پیشرانی برای رسیدن به توافق است.

۲- رویکرد دولت آقای پزشکیان نیز رسیدن به توافقی عزتمندانه است؛ چه اینکه آقای پزشکیان در تبلیغات انتخاباتی خود از ضرورت تعامل با جهان گفت و رسیدن به توافق با آمریکا برای رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران را ممکن دانست. آقای عراقچی نیز بارها از مفهوم «مدیریت تعارض با آمریکا» سخن گفته که می‌توان از این گزاره، تمایل دستگاه دیپلماسی برای مذاکره با آمریکا را تفسیر کرد.

۳- فشارهای ناشی از تحریم ظالمانه آمریکا علیه ایران که مانند یک شبکه جهانی حتی همسایگان دوست ایران را به صورتی اجتناب‌ناپذیر با آمریکا همراه کرده است، پیشران دیگری برای ضرورت توافق با آمریکاست. بر کسی پوشیده نیست که توافق برجام، ثبات نسبی و رشد اقتصادی را برای ایران به همراه داشت و درست پس از خروج ترامپ از برجام در سال ۱۳۹۷، کاهش رشد اقتصادی، افول ارزش پول ملی و تورم بی‌سابقه، گریبان اقتصاد ایران را گرفت. با روی کار آمدن دولت بایدن، روزنه‌هایی برای اقتصاد ایران حاصل شد که ترکیبی از دیپلماسی ایران و تمایل بایدن به منظور کنترل برنامه هسته‌ای ایران و کنترل تنش با ایران بود. ترامپ در ماه‌های گذشته بارها از سیاست بایدن در قبال ایران انتقاد کرده و گفته سیاست بایدن باعث تزریق ۱۵۰ میلیارد دلار به اقتصاد ایران شد. او از سیاست تحریمی خود علیه ایران به‌شدت دفاع کرده و وعده داده است تحریم‌ها علیه ایران را تشدید خواهد کرد. افزایش تحریم‌ها علیه ایران، کم‌هزینه‌ترین راهبرد برای ترامپ است. راهبردی که به عقیده ترامپ، جواب هم داده است. بنابراین نگرانی از افزایش تحریم‌ها از سوی ترامپ نیز پیشرانی برای توافق با آمریکا در سطح ملی محسوب می‌شود.

۴- تحول‌خواهان در ایران به‌عنوان نیرویی سیاسی که در سطح جامعه طرفدارانی دارند و نفوذ فراوانی در جامعه از طریق رسانه‌ها دارند نیز پیشرانی برای توافق محسوب می‌شوند. افول مشارکت در انتخابات اخیر و نیز انتخاب آقای پزشکیان، به تحول‌خواهان در جامعه ایرانی قدرت مضاعفی داده است تا مطالبه خود برای تنش‌زدایی با آمریکا را بیش از گذشته مطرح کنند.

در نقطه مقابل، چهار پیشرانی قرار دارند که اتفاقا توافق با آمریکا را دچار مشکل می‌کنند و بلکه باعث تشدید تنش و حتی منازعه و جنگ با آمریکا می‌شوند:

۱- ادراک تاریخی از آمریکا که سابقه‌ای منفی نزد سیاست‌مداران و افکار عمومی آگاه به تاریخ دارد. ایرانیان به دلایلی از قبیل کودتای ۲۸ مرداد، مداخله منفی آمریکا در جنگ تحمیلی، حمله به هواپیمای مسافربری ایران، قراردادن ایران در محور شرارت و به‌خصوص بی‌تعهدی آمریکا در برجام و... اعتمادی به آمریکا ندارند.

۲- آمریکاستیزی به‌عنوان مصداق استکبارستیزی، به عنصری هویت‌بخش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده که کنارگذاشتن آن سخت است.

۳- برخی از کانون‌های قدرت نیز مانعی جدی برای مذاکره با آمریکا هستند که هرکدام انگیزه‌ها و دلایل مخصوص به خودشان را برای مذاکره‌نکردن با آمریکا دارند.

۴- تجربه سخت و منفی جمهوری اسلامی ایران از توافق برجام و بدعهدی آمریکا و خروج ترامپ از برجام، کار را برای توافق با دولت ترامپ سخت‌تر می‌کند.

چنانچه پیشران‌های مشوق توافق و پیشران‌های مانع از توافق را در مقابل هم قرار دهیم، ملاحظه می‌کنیم که اراده دولت پزشکیان و خواست نیروهای تحول‌خواه برای پیشبرد توافق با آمریکا با موانع جدی مواجه می‌شوند. به این معنا که ادراکات تاریخی، هویت آمریکاستیزی، کانون‌های قدرت ضدآمریکایی و تجربه منفی از برجام، هرکدام ترمز این دو پیشران را به نحوی می‌کشند؛ اما در نقطه مقابل، عمل‌گرایی ایران در سیاست خارجی و نیز موضوع فشارهای مضاعف ناشی از تحریم‌ها می‌توانند با عبور از موانع چهارگانه، زمینه‌های توافق با آمریکا را در دولت دوم ترامپ فراهم کنند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR